



# خبرنامه فصلی شوق مخدومان نور شماره ۱۲



اللهم صل على عافا طيبا رعا محبا بيننا  
اللهم صل على ورثته وولديه واهله

# بیت



جمعه مورخ یکم اردیبهشت ۹۱ مصادف با ۲۸ جمادی الاولی، سالروز ولادت خجسته ی سلطان العرفاء و زین الحکماء و رأس العلماء الزهد الاتم و الخلق الاعظم و باقر علوم اولاد آدم مولانا الحاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه است که همچنین امسال با سالروز بزرگداشت جناب شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی نیز مقارن گشته. با اشاره به این حسن تقارن خلاصه ایی از زندگانی حضرت سلطانعلیشاه را از کتاب "خورشید تابنده" نقل می کنیم.

ایشان از بزرگترین علماء و عرفای اسلام هستند که در ۲۸ جمادی الاولی سال ۱۲۵۱ قمری در بیدخت گناباد از نواحی مرکزی خراسان قدم به عرصه وجود نهادند و در سه سالگی به فراق پدر مبتلا شدند. از همان کودکی آثار کمال در ایشان هویدا بود، به نحوی که در میان اقوام و مردم بیدخت به هوش و ذکاوت و وقار و متانت شهرت داشتند. ایشان پس از طی کردن تحصیلات مقدماتی در بیدخت به دلیل عدم بضاعت کافی مدتی ترک تحصیل نمودند، ولی با شوق و اشتیاقی که داشتند مجدداً در سن هفده سالگی اشتغال به تحصیل علوم یافتند، پیشرفت چشمگیری کردند، به گونه‌ای که اساتید محلی دیگر روحیه علمی ایشان را ارضاء نمی کردند. پس به قصد تحصیل علم پیاده عازم مشهد و چندی در آنجا ساکن شدند و از محضر علماء استفاده کردند. از آنجا نیز به عتبات عالیات مشرف شده، در فقه و اصول و علم رجال و تفسیر احاطه کامل یافتند و علوم فقهی را نزد علمائی نظیر حاج شیخ مرتضی انصاری کسب کردند و اجازه اجتهاد گرفتند. در مراجعت از عتبات به سبزوار رفتند و نزد حکیم متأله حاج ملا هادی سبزواری به تحصیل حکمت مشاء و اشراق و متعالیه مشغول و در میان شاگردان مرحوم سبزواری ممتاز گشتند. بر کتاب اسفار نیز حواشی نوشتند. ولی اکتساب کامل

علوم ظاهری تشفی خاطر حق جوی ایشان را نکرد و در طلب علم از قلوب عالمان بالله برآمدند. در این اوان حضرت سعادتعلیشاه با جمعی از مریدان عازم مشهد بودند، در سبزواری به کاروانسرای وارد شدند. مرحوم حاج ملا هادی سبزواری که ارادت کامل به عرفای عظام داشت، مجلس درس را تعطیل و به شاگردان خود گفت: درویش عالیقدری از تهران آمده‌اند، بد نیست شما هم به ملاقات ایشان بروید. جناب حاج ملا سلطانمحمد نیز همراه سایر طلاب به ملاقات رفتند و در همان جلسه اول مجذوب حضرت سعادتعلیشاه گردیدند. ولی تسلیم نشده چندی بعد به گناباد مراجعت تا بالاخره در سال ۱۲۷۹ قمری پیاده با آتش شوق به سمت اصفهان مسکن حضرت سعادتعلیشاه رفتند و خدمت ایشان توبه کرده و وارد در سلوک الی الله شدند. آن بزرگوار در مدت قلیلی مراتب سلوک را طی و از طرف حضرت سعادتعلیشاه مأمور ارشاد و دستگیری طالبان با لقب سلطانعلیشاه گردیدند. در سال ۱۲۹۳ قمری حضرت سعادتعلیشاه خرجه تهی نمودند و ایشان متمکن مسند ارشاد و هدایت عباد شدند.

در زمان ایشان سلسله فقر و عرفان رونق تازه‌ای یافت و صیت فضائل صوری و معنوی حضرت سلطانعلیشاه همه ایران و بلکه غالب کشورهای اسلامی را پر نمود. همین امر باعث عداوت دشمنان و حسادت حاسدان گردید، تا اینکه در سحرگاه ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۷ قمری آن حضرت را در سن ۷۶ سالگی مخنوق و به شهادت رساندند. مزار مطهر ایشان در بیدخت گناباد می‌باشد.

آن حضرت تبخر کامل در علوم مختلف داشتند و تألیفات بسیاری اعم از حواشی بر کتب گوناگون مثل اسفار ملاً صدرا یا تهذیب المنطق تفتازانی دارند. آثار مستقل ایشان عبارتند از: تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، سعادتنامه، مجمع السعادات که به نام مرشد خود حضرت سعادتعلیشاه مرقوم فرمودند و همچنین کتابهای ولایت نامه، بشارة المؤمنین، تنبیه النائمین، ایضاح و توضیح، دو مجلد اخیر شرحهای عربی و فارسی بر کلمات قصار عارف نامی باباطاهر می‌باشند. (لازم به ذکر است که جامع‌ترین کتابی که منحصرأ درباره آن حضرت تحریر شده کتاب «نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم هجری» تألیف حضرت آقای حاج سلطانحسین تابنده می‌باشد).

خبرنامه خبری، تحلیلی، فرهنگی مجذوبان نور  
در زمینه حقوق بشر، علوم انسانی و علوم اجتماعی  
سال اول / شماره دوازدهم / فروردین ماه ۱۳۹۱

فرمایشات

- فرمایشات حضرت آقای مجذوبعلیشاه  
الگو بودن حضرت فاطمه «س»

اخبار درویشی

- تعیین تاریخ برگزاری دادگاه درویش زندانی اوین و عدم ارائه پرونده به وکلا جهت مطالعه
- اخراج یک درویش گنابادی از شهرداری کرج
- وضعیت وخیم کسری نوری در بازداشتگاه اطلاعات شیراز
- اعزام حمید مرادی به بیمارستان مدرس تهران
- انتقال افشین کرم پور به بیمارستان
- برگزاری مراسم بزرگداشت جناب آقای حاج شمس الدین حایری «ارشاد علی» در شهرهای مختلف

مقاله

- زن در اسلام - بخش سوم
- به مناسبت یکم اردیبهشت روز بزرگداشت سعدی
- حضرت مریم(س) و حضرت فاطمه (س) در روایات کاتولیکی و شیعی

حقوق بشر

- مصونیت وکیل در مقام دفاع از حقوق موکل

سالهاست که درویش به خصوص درویش سلسله نعمت الهی در ایران شاهد بی قانونی و نادیده گرفته شدن حقوق قانونی شان هستند و این اعمال فشارها به خصوص در سال گذشته شیب تندتری به خود گرفت، گرچه یاد آوری و ذکر ظلم های وارده کام جامعه درویش را که چون اعضای یک پیکر هستند تلخ می کند ولی به موازات آن، آنها را بیش از پیش به حقوق شهروندی خود آگاه تر و مصر تر می کند و روحیه همدلی و همبستگی را در آنها بیش از پیش تقویت می سازد.

در این شماره خبرنامه مجذوبان در کنار سایر بخش ها گزارشی از موارد نقض حقوق دارویش نعمت الهی در سال گذشته آورده شده، هر چند بلندی این لیست مایه تاسف برای داعیان قانون و عدالت است، اما امید داریم که هر سال این لیست کوتاه و کوتاه تر گردد.

# لزوم آگاهی از حقوق قانونی با اطلاع از قوانین، از حقوق قانونی خود دفاع کنید

## مصونیت وکیل در مقام دفاع از حقوق موکل



آیا وکیل اخلاقاً و وجداناً تعهد نسبت به قانون دارد یا مکلف به خدمت قدرتمندان عرصه سیاست است؟ بدیهی و مسلم است آنگاه که صاحبان قدرت در مقابل وکیل مجبور به پاسخگویی در خصوص عملکرد خود می شوند بالقوه توانایی استفاده از نفوذ خویش را دارند. طبیعتاً اگر وکیل در مقام دفاع در مقابل متصدیان امور، مجبور به کتمان حقیقت و یا کرنش به قدرت یا ترس و خودباختگی و سکوت گردید از شخصیت و شرافت او و تعهد به سوگند نامه ای که یاد نموده، چه باقی می ماند؟ اگر وکیل به خاطر دفاع از موکلش خود محکوم شود، دیگر سرانجام دفاع از حق چه خواهد شد؟

« در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند » این عبارتی است که در اصل ۳۵ قانون اساسی ایران پیش بینی شده و حق دفاع و انتخاب وکیل برای طرفین دعوی در محاکم محترم شمرده شده است. منظور از وکیل در این اصل فردی است که علاوه بر دانش حقوقی از ویژگیهای منطبق با استانداردهای جهانی برخوردار باشد. یکی از این استانداردها وابستگی وکیل به سازمانی کاملاً مستقل و خودگردان و خودکفا

و مصونیت وی از هرگونه تعرض به واسطه دفاع از حقوق موکلین است. مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در تاریخ ۷/۷/۷۰، ماده واحده ای را در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی به تصویب رساند که تبصره ۳ ماده واحده مذکور مبنی بر اینکه، وکیل در موضع دعوی از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می باشد، تأکید بر این نکته اساسی و مهم دارد. اسناد سازمان ملل از جمله بیانیه هاوانا در سال ۱۹۹۰ نیز بر اصل مصونیت وکیل در مقام دفاع، صحنه گذاشته است. بنابراین حیات و سلامت دستگاه قضایی در گرو وکلایی است که در تحقق عدالت موظفند شجاعانه از حقوق موکلین خود براساس موازین قانونی دفاع نمایند

اصل ۳۵ قانون اساسی «در همه دادگاه ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری: « متهم می تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امور تحقیق پس از خاتمه تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورتجلسه منعکس می شود »

ماده ۳ قانون حفظ حقوق شهروندی: « محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند ».

برخی قضات با استناد به تبصره ماده ۱۲۸ قانون دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری که می گوید « در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فسادگردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود » حضور وکیل را مشروط به نظر خود می دانند، اما با بخشنامه حفظ حقوق شهروندی که بلافاصله پس از ابلاغ آن توسط رئیس قوه قضائیه به قانون حقوق شهروندی تبدیل شد، وکلا به طور مطلق حق حضور در همه مراحل دادرسی را دارند.

اگر قاضی به اعتبار تبصره ذیل ماده ۱۲۸ بخواهد مانع حضور وکیل شود، حقوق اساسی متهم را تضییع کرده است.

بنابراین با توجه به قانون، حق استفاده از وکیل برای متهم صراحتاً عنوان شده و اشخاص می توانند در تمامی مراحل دادرسی از حضور وکیل استفاده نمایند.



## به مناسبت یکم اردیبهشت روز بزرگداشت سعدی

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی بی تردید بزرگترین شاعری است که بعد از فردوسی آسمان ادب فارسی را با نور خیره کننده اش روشن ساخت و آن روشنی با چنان تألویی همراه بود که هنوز پس از گذشت هفت قرن تمام از تاثیر آن کاسته نشده است و این اثر تا پارسی برجاست همچنان برقرار خواهد ماند.

تاریخ ولادت سعدی به قرینه ی سخن او در گلستان در حدود سال ۶۰۶ هجری است. وی در آغاز گلستان چنین می گوید: «یک شب تأمل ایام گذشته می کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می خوردم و سنگ سراچه دل را به الماس آب دیده می سقتم و این ابیات مناسب حال خود می گفتم:

در اقصای عالم بگشتم بسی	به سر بردم ایام با هر کسی
تمتع به هر گوشه ای یافتم	ز هر خرمنی خوشه ای یافتم
چو پاکان شیراز خاکی نهاد	ندیدم که رحمت بر این خاک باد
تولای مردان این پاک بوم	برانگیختم خاطر از شام و روم
دریغ آمدم زان همه بوستان	تهیدست رفتن سوی دوستان
به دل گفتم از مصر قند آورند	بر دوستان ارمغانی برند
مرا گر تهی بود از قند دست	سخن های شیرین تر از قند هست
نه قندی که مردم به صورت خورند	که ارباب معنی به کاغذ برند»

به تصریح خود شاعر این ابیات، مناسب حال او و در تأسف بر عمر از دست رفته و اشاره به پنجاه سالگی وی سروده شده است و چون آنها را با دو بیت زیر که هم در مقدمه گلستان من باب ذکر تاریخ تألیف کتاب آمده است:

هر دم از عمر می رود نفسی	چون نگه می کنم نمانده بسی
ای که پنجاه رفت و در خوابی	مگر این پنج روز دریابی
خجل آن کس که رفت و کار نساخت	کوس رحلت زدند و بار نساخت
خواب نوشین بامداد رحیل	بازدارد پیاده را ز سیل...»

قیاس کنیم، نتیجه چنین می شود که در سال ۶۵۶ هجری پنجاه سال یا قریب به این از عمر سعدی گذشته بود. سعدی در شیراز در میان خاندانی که از عالمان دین بودند ولادت یافت. دولتشاه می نویسد که: «گویند پدر شیخ ملازم اتابک بوده» یعنی اتابک سعدبن زنگی، و البته قبول چنین قولی با اشتغال پدر سعدی به علوم شرعیه منافات ندارد. سعدی از دوران کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت و از هدایت و نصیحت او برخوردار گشت؛ ولی در کودکی یتیم شد و ظاهراً در حضان تربیت نیای مادری خود که بنابر بعضی اقوال مسعود بن مصلح الفارسی پدر قطب الدین شیرازی بوده، قرار گرفت و مقدمات علوم ادبی و شرعی را در شیراز آموخت و سپس برای اتمام تحصیلات به بغداد رفت. این سفر که مقدمه ی سفرهای طولانی دیگر سعدی بود، گویا در حدود سال ۶۲۰ هجری اتفاق افتاده است؛ زیرا وی اشاره ای دارد به زمان خروج خود از فارس در هنگامی که جهان چون موی زنگی در هم آشفته بود.

سعدی بعد از این تاریخ تا مدتی در بغداد به سر برد و در مدرسه ی معروف نظامیه ی آن شهر به ادامه تحصیل پرداخت. چند سالی را که سعدی

در بغداد گذراند باید به دوران تحصیل و کسب فیض از بزرگترین مدرسان و مشایخ عهد، تقسیم کرد و گویا بعد از طی این مراحل بود که سفرهای طولانی خود را در حجاز و شام و لبنان و روم آغاز کرد و بنا به گفتار خود در اقصای عالم گشت و با هر کسی ایام را به سر برد و به هر گوشه ای تمتعی یافت و از هر خرمنی خوشه ای برداشت.

سفری که سعدی در حدود سال ۶۲۰ آغاز کرده بود مقارن سال ۶۵۵ با بازگشت به شیراز پایان یافت. وفات سعدی را در مآخذ گوناگون به سال های ۶۹۰-۶۹۱-۶۹۴ و ۶۹۵ نوشته اند.

نکته مهمی که درباره سعدی قابل ذکر است، شهرت بسیاری است که در حیات خویش حاصل کرد. پیداست که این موضوع در تاریخ ادبیات فارسی تا قرن هفتم هجری تاگی نداشت و بعضی از شاعران بزرگ مانند ظهیر فاریابی و خاقانی در زمان حیات خود مشهور و در نزد شعرشناسان عصرشان معروف بودند. اما گمان می رود که هیچ یک از آنان در شهرت میان فارسی شناسان کشورهای مختلف از آسیای صغیر گرفته تا هندوستان، در عهد و زمان خود، به سعدی نرسیده اند و اینکه او در آثار خویش چند جا به شهرت و رواج گفتار خود اشاراتی دارد، درست و دور از مبالغه است. از جمله شاعران استاد در عصر سعدی که در خارج از ایران می زیسته اند یکی امیر خسرو است و دیگر حسن دهلوی که هر دو از سعدی در غزل های خود پیروی می کرده اند و امیر خسرو از اینکه در «نوبت سعدی» جرأت شاعری می کرد خود را ملامت می نمود.

آثار سعدی به دو دسته ی آثار منظوم و آثار منثور تقسیم می شود. آثار منثور وی خاصه شاهکارش گلستان، دارای هشت باب است:

به نام خداوند جان آفرین	حکیم سخن در زبان آفرین
خداوند بخشنده دستگیر	کریم خطا بخش پوزش پذیر
عزیزی که هر کز درش سر بتافت	به هر در که شد هیچ عزت نیافت
سر پادشاهان گردنفرز	به درگاه او بر زمین نیاز
نه گردنکشان را بگیرد به فور	نه عذرآوران را براند به جور
و گر خشم گیرد ز کردار زشت	چو باز آمدی ماجرا در نوشت
اگر با پدر جنگ جوید کسی	پدر بی گمان خشم گیرد بسی
و گر بنده چابک نباشد به کار	عزیزش ندارد خداوندگار
و گر بر رفیقان نباشی شفیق	به فرسنگ بگریزد از تو رفیق
و گر ترک خدمت کند لشکری	شود شاه لشکر کش از وی بری
دو کونش یکی قطره از بحر علم	گنه ببند و پرده پوشد به حلم
ادیم زمین سفره عام اوست	بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
اگر بر جفاپیشه بشتافتی	که از دست قهرش امان یافتی؟
بری ذاتش از تهمت ضد و جنس	غنی ملکش از طاعت جن و انس
پرستار امرش همه چیز و کس	بنی آدم و مرغ و مور و مگس ...



در رأس آثار منظوم سعدی یکی از شاهکارهای بلا منازع شعر فارسی قرار دارد که در نسخ کهن، کلیات "سعدی نامه" نامیده شده و بعدها به "بوستان" شهرت یافته است. این منظومه در اخلاق و تربیت و وعظ و تحقیق است در ده باب: ۱- عدل ۲- احسان ۳- عشق ۴- تواضع ۵- رضا ۶- ذکر ۷- تربیت ۸- شکر ۹- توبه ۱۰- مناجات تاریخ اتمام منظومه گلستان را سعدی بدینگونه آورده است:

به روز همایون و سال سعید  
به تاریخ فرخ میان دو عید  
ز ششصد فزون بود و پنجاه و پنج  
که پر در شد این نامبردار گنج

و بدین تقدیر کتاب در سال ۶۵۵ هجری به اتمام رسید اما تاریخ شروع آن معلوم نیست و تنها از فحوای سخن گوینده در آغاز منظومه معلوم می شود که آن را پیش از بازگشت، به فارسی سرود.

آثار دیگر سعدی قصائد عربی است که حدود هفتصد بیت مشتمل بر معنای غنائی و مدح و نصیحت است و قصائد فارسی او که در موعظه و نصیحت و توحید و مدح پادشاهان و رجال دوره ی او می باشد.

شهرتی که سعدی در حیات خود به دست آورد بعد از مرگ او با سرعتی بی سابقه افزایش یافت و او به زودی به عنوان بهترین شاعر زبان فارسی و یا یکی از بهترین و بزرگترین شعرای درجه اول زبان فارسی شناخته شد و سخن او حجت فصحا و بلغای فارسی زبان قرار گرفت. این اشتهار سعدی معلول چند خاصیت در اوست: نخست آنکه وی گوینده ای است که زبان فصیح و بیان معجزه آسای خود را تنها وقف مدح و یا بیان احساسات عاشقانه و امثال این مطالب نکرد بلکه بیشتر، آن را به خدمت ابناء نوع گماشت و در راه سعادت آدمیزادگان و موعظه آنان و علی الخصوص راهنمایی گمراهان به راه راست، به کار برد و در این امر از همه شاعران و نویسندگان فارسی زبان موفق تر و کامیاب تر بود. دوم آنکه وی نویسنده و شاعری با اطلاع و جهاننیده و سرد و گرم روزگار چشیده بود و همه تجاربی را که در زندگانی خود اندوخته بود، در گفتارهای خود برای صلاح کار هموعان بازگو کرد تا در هدایت آنان به راه راست موفق تر باشد. سوم آن که وی سخن گرم و لطیف خود را در نظم و نثر اخلاقی و اجتماعی خویش همراه با امثال و حکایات دلپذیر که جالب نظر خوانندگان باشد بیان کرد و آنان را تنها با نصایح خشک و موعظه ملال انگیز از خود نرنجانید. چهارم آنکه وی در مدح و غزل، هر دو راهی نو و تازه پیش گرفت، در مدح، بیان مواعظ و اندیشه های حکیمانه ی خود را از جمله مبانی قرار داد و در غزل و اشعار غنائی خویش هم هر جا که ذوق او حکم کرد از تحقیق و بیان حکم و امثال غفلت نورزید. پنجم آنکه سعدی در عین وعظ و حکمت و هدایت خلق، شاعری شوخ و بذله گو و شیرین بیان است و در سخن جد و هزل خود آنقدر لطایف به کار می برد که خواننده خواه و ناخواه مجذوب او می شود و دیگر او را رها نمی کند. ششم آنکه وی در گفتار خود از بسیاری مثل های فارسی زبانان که از دیرباز رواج داشت استفاده کرده و آنها را در نظم و نثر خود گنجانده است و علاوه بر این، سخنان موجز و پرمایه و پر معنای او گاه چنان روشنگر افکار و آرمان های جامعه ایرانی و راهنمای زندگانی آنان افتاده است که به صورت سایر امثال در میان مردم رایج شده و تا روزگار ما، خاص و عام، آنها را در گفتارها و نوشته های خود به کار برده اند

## زن در اسلام - بخش سوم

### تألیف حضرت آقای حاج سلطانحسین تابنده «رضا علیشاه»

#### بین بشر و سایر حیوانات فرق است

پس فرق بین بشر و سایر حیوانات بنا بر مطالب مذکوره طبیعی است، و دیانت از حکم طبیعت جلوگیری نکرده بلکه مقاصد طبیعت را بیان نموده و پرده از مکنونات آن برداشته است. مقصود اصلی از ظهور دیانات نیز همین است، چنانکه بعد از تعمق و دقت معلوم می شود که اصول اعتقادی در جمیع ادیان با یکدیگر موافق و عقل به آنها حاکم است بلکه حکمت تشریح احکام همین است، و در امور اجتماعی نیز مانند مذموم بودن زنا و امثال ذلک واضح است. فیضاً و مطلعین می گویند که چون نوبت به ادیان آسمانی رسید زن قدر و منزلت یافت ولی قبل از نشر آن ادیان برعکس بوده. [۱] قوه فاعله نیز بالطبع بر قوه قابله مقدم است، زیرا قابل مهبیاست که از فاعل منفعل و متأثر گردد. قوه فعل در مرد است و قوه قبول در زن. قوانین زناشویی

و چون فرق بین زن و مردم طبیعی و دخول زن در جامعه و سیاست مستلزم مضار و مفاسدی است، مخصوصاً موقعی که نظم و ترتیبی در بین نبوده مانند حیوانات آزادی باشد، لذا هریک از شرایع و ادیان برای مزاجت بین زن و مرد دستوری معین کرده که بشر به همان رویه عمل نموده و تخطی از آن نکند تا هرج و مرج نشود. زیرا زن و مرد حکم دو قطب مثبت و منفی (پزیتیف و نگاتیف) الکتریسته را دارند، مرد حکم قطب مثبت و زن حکم منفی و همانطور که چون این دو قطب به وسیله مفتول فلزی به ترتیب معینی که مکانیک آن برقرار می کند اتصال پیدا کند، ایجاد طفل برق شده اطراف را روشن می نماید، و اگر در غیر موضع معین این مفتول اتصال پیدا کند برای اطراف خطرناک است. از این جهت اگر بخواهند آن را امتداد دهند از هر یک از این دوپیل آن مفتول را امتداد داده در محل منظور وصل می کنند و در غیر آن محل از هم دور و در لفافه پنهانند. و در غیر موضع معین اتصال آن دو تولید خطر برای اطراف می کند. همچنین در ازدواج بین زن و مرد باید قانون و ترتیبی وجود داشته به دستوری که اشخاص بصیر و آگاه داده اتصال پیدا کنند تا طفل که متولد می شود موجب روشنی اطراف خود گردد و نسبت به پدر و مادر قره العین حقیقی شود، و باید زن و مرد در غیر این مورد از هم دور باشند و اگر به غیر دستور عمل شود ایجاد مفاسد می کند. پس ازدواج لازم است منتها ترتیب آن در ملل مختلف است و مسلمین از جهت آنکه پیغمبرشان ترتیب مخصوصی دستور داده رعایت آن را لازم می دانند.

#### تعدد زنان

اما اینکه هر زن نباید بیشتر از یک شوهر داشته باشد، جهتش طبیعی است، زیرا توارد دو فاعل بر یک قابل موجب اختلال و فساد و سبب بروز امراض مسریه قاعده نسل می شود. ولی در عکس آن این مفاسد نیست. عده زنان نیز بیشتر از مردان است و اگر تقسیم شود برای هر مرد یک زن بیشتر می رسد و در اسلام به حسب اقتضاء تا چهار زن اجازه داده اند. ولی تصور نشود که بدان تحریص و ترغیب یا امر شده، بلکه در عرب دوره جاهلیت تعدد مرسوم و اندازه آن معین نبود و در شرع به چهار زن محدود شد، با شرط عدالت و اقتدار بر نفقه و کسوه که دنباله آیه است: **فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ** [۲] یعنی در صورت عدم امکان عدالت به یک زن اکتفا کرده بیشتر از یکی نگیرید که موجب نفاق و افسردگی بشود. ولی کم کسی است که بتواند صحیحاً عدالت کند بلکه عدالت حقیقی پیدا نشود، لذا بعداً آیه نازل شد: **وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ** [۳] که مراد عدالت در مودت قلبی یا عدالت حقیقی و من جمیع الجهات است. معنی ظاهر آیه این است: **الْبَتَّةُ** نتوانید عدالت نمایید بین زنها اگرچه حریص باشید بر عدالت بین آنها، پس خیلی بدان مایل نشوید که زنها را بالاتکلیف بگذارید، به هر اندازه از عدالت که بر آن قادر هستید عمل کنید و از آن اعراض ننمایید. که اگر عدالت را به طور کلی ترک نمایید زن خودتان را بالاتکلیف و سرگردان و معلقه نموده اید، یعنی نه بی شوهر است که در کار خود مختار باشد و نه شوهری دارد که به او با لوازم شوهری رفتار نماید که می فرماید: **فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوا كَالْمَعْجَلِ** [۴] بلکه زن گرفتن در اسلام نسبت به زمان جاهلیت محدود شد، زیرا در میان عرب تعدد زوجات خیلی معمول بود و محدود هم نبود و اسلام آن را محدود کرد. پس معلوم می شود که نظر شارع مقدس اسلام بر تعدد نبوده بلکه منظور از تشریح آن موارد ضرورت بوده که موجب عسر و حرج و وقوع در محرم نشود. اما محدود بودن ملک یمین از جهت رعایت عتق است که آنها از مالک حامله شده و به واسطه پیدا شدن اولاد از آنها برای مالک آزاد شوند. این مسئله در فقه به نام استیلاذ ذکر شده است. پس در اینجا نیز امر اهمی که صلاح اماء بوده یعنی آزاد شدن آنها در نظر گرفته شده است.

#### موارد لزوم تعدد زوجات

در بعضی موارد هم تعدد لازم است و اگر تشریح نمی شد موجب عسر و حرج بود، از جمله: موردی است که زن بیمار می باشد یا جهات دیگری مانع از مضاجعت بشود و مدت آن هم طولانی باشد؛ از طرف دیگر مرد نیز مایل به مضاجعت است به قسمی که اگر زن دیگری نگیرد موجب وقوع در معصیت و امر حرام می شود، در این مورد تعدد روا است. بلکه همانطور که خوف وقوع در معصیت با تمکن از نفقه و کسوه زن سبب وجوب نکاح ابتدایی می شود، گاهی این علت ایجاب نکاح ثانوی نیز می کند. یا در موردی که زن اولادآور نیست یا سن او مقتضی فرزند نیست و مایل به طلاق هم نیست ولی به نکاح ثانوی برای شوهر راضی است، در این صورت نیز تعدد جایز است که برای مرد حفظ نسل بشود. یا آنکه مردی در سفر مریض شده و پزشکان دستور زن گرفتن به او داده اند، در این مورد هم گاهی واجب می شود. یا در موارد جنگ و کشته شدن مردها و لزوم تعهد هر یک از مردهایی که زنده اند از چند زن. در این مورد اگر اجازه تعدد نباشد به مفاسدی منجر خواهد شد، مخصوصاً اگر طرفین جوان باشند. مواردی دیگر نیز هست که تعدد زوجات را مقتضی است. پس اجازه و تشریح تعدد در موارد لزوم مطابق حکم عقل است ولی به شهوترانی محض و از روی هوس روا نیست.

[۱] روزنامه ایران شماره ۴۶۵۶ آمده است: اگر در دستورات اسلام دقت کنیم و تاریخ جاهلیت را نیز ملاحظه «زن و عشق» شاهد این مطلب مقاله نماییم پی می بریم که اسلام چقدر از زنها طرفداری کرده و حریت آنان را حفظ نموده است. و میتوان گفت هیچ دینی به اندازه دین اسلام طرفداری از زنان نکرده است.

[۲] (سوره نساء آیه ۳)

[۳] (سوره نساء آیه ۱۲۹)

[۴] (سوره نساء آیه ۱۳۰)



## فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علی‌شاه

الگو بودن حضرت فاطمه «س»

مجلس صبح یکشنبه، ۱۹ / ۳ / ۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برای اینکه شروع کلام ما متبرک باشد، دو سه جمله ای از حضرت فاطمه «س» می‌گوییم.

در زندگی پیغمبر «ص» و خاندان او برای همه ی ما حتی از جهات بشری، الگو و اسوه وجود دارد، البته به شرط اینکه در خیلی از این موارد فکر شود. پیغمبر «ص» سه دختر داشتند که هر سه از حضرت خدیجه «س» بودند. حتی شوهر یکی از دخترها در مکه از دشمنان اسلام بود. خود او هم چون همسرش در مکه بود، ماند و هجرت نکرد. در جنگی، شوهر او اسیر شد. خیلی از اهالی مکه آمدند و اسیری را که داشتند خریدند، مثلاً یکی پدر خود و دیگری پسر خود را خرید. ولی برای داماد پیغمبر که اسیر شده بود کسی جلو نیامد. همسر او که دختر پیغمبر بود گردنبندی خدمت پیغمبر فرستاد که این را قبول کنید و شوهر من را آزاد کنید، آن گردنبندی بود که خود حضرت برای خدیجه خریده بودند و مدت‌ها حضرت خدیجه «س» آن را به گردن داشت، وقتی دیدند گریه کردند و در مجلس مؤمنین گفتند، یک اسیر هست که این را به من بفروشید. نفرمود: مال من است، فرمود: به من بفروشید. صحابه فهمیدند کیست. گفتند: این را تقدیم به شما کردیم و نمی‌خواهد قیمت آن را بدهید. دختر دیگر ایشان هم تقریباً به همین نحو بود. دختر سوم، حضرت فاطمه بود که از اول تولد در محیط توحید و اسلام به دنیا آمد و تربیت اسلامی داشت و در مقابل بت تعظیم نکرده بود. در بین این دختران، حضرت محمد «ص» به این دختر علاقه بیشتری داشتند و حتی ما سادات را کسانی می‌گوییم که از نسل علی و فاطمه باشند نه از سایر زنها. فاطمه از نسل پیغمبر است و هر کس از نسل فاطمه باشد سید است. البته این بحث بود که اگر از دختران دیگر پیغمبر هم فرزندی باشد سید است؟ اکثراً گفتند: نه، فقط فرزندان حضرت فاطمه سید هستند. یک جهت اینکه عمده ای مزیت و برتری قائلند، این است که می‌گویند: انعقاد نطفه ی حضرت فاطمه در زمان پیغمبری حضرت بود. تولد او هم در زمان پیغمبری بود. به این جهت حضرت علاقه ی خاصی به او داشتند و اهل سنت

هم فرزندان او را سید می دانستند و حال آنکه اعراب خیلی نسبت به پسر متعصب هستند و از نسل دختری نسب را قبول نمی کنند. خود این هم الگویی است برای زن و شوهرهایی که متوجه باشند حالات پدر و مادر در موقع انعقاد نطفه در روحیه فرزندی که بعد به وجود می آید خیلی موثر است، ولی این نکته را مردم کمتر توجه میکنند و حال آنکه از مواردی است که حتماً باید دقت کنند. روابط حضرت فاطمه و علی همیشه خوب بود و تا حضرت فاطمه حیات داشت همسر علی بود و تا او حیات داشت حضرت علی همسر دیگری اختیار نکرد و حال آنکه در عرب آن روز، چند زنی خیلی رسم بود و حتی زن های پیغمبر با هم مأنوس بودند، که در قرآن هم اشاره دارد که شما دو نفر با هم ساختید و علیه پیغمبر توطئه کردید. در هر صورت پیغمبر «ص» زن های متعدد داشت ولی علی تا فاطمه حیات داشت همسر دیگری نگرفت.

آن دو برای هم خیلی احترام قایل بودند و هر دو نزد عامه ی مسلمین و سه خلیفه ای که به صورت انتصابی و انتخابی (البته نه از طرف پیغمبر) معین شدند، خیلی محترم بودند. بعد از رحلت پیغمبر، صاحب عزای اصلی، حضرت فاطمه بود. خلیفه یعنی ابوبکر به مشاور خودش عمر گفت: برای عرض تسلیت، خدمت حضرت فاطمه برویم. آمدند دم در، در زدند حضرت علی منزل نبود، حضرت فاطمه خود جواب دادند و فرمودند: چه کسی هستید؟ و چه می خواهید؟ اینها گفتند: برای عرض تسلیت آمده ایم. اجازه ی ورود می دهید؟ حضرت اجازه ی ورود ندادند، آنها گفتند: خیلی خوب و ایستادند. ابوبکر دل نازک بود و خیلی ناراحت شد و گفت: من می روم استعفا میدهم این چه خلافتی است؟ عمر گفت: نه، تو باید مملکت را اداره کنی. به هر جهت مشغول مذاکره بودند که علی «ع» خواست به منزل برود، دید اینها دم در منزل هستند. سلام علیک کرد و گفت: چرا دم در ایستادید؟ گفتند: آمده ایم حضرت فاطمه اجازه نداده اند. علی فرمود: صبر کنید، برای شما اجازه بگیرم. نفرمود: منزل من است، داخل بیایید. فرمود: برای شما اجازه می گیرم، یعنی همان طوری که من می توانم اجازه بدهم، در غیبت من، فاطمه است که می تواند اجازه بدهد یا اجازه را لغو کند. حضرت داخل آمدند و به فاطمه فرمودند: به اینها اجازه ورود نداده ای؟ گفتند: نمی خواهیم آنها را ببینم. حضرت فرمودند: برای خاطر من اجازه بده. فاطمه فرمود: منزل، منزل شما است، چون منزل را مرد تهیه می کند و هر که را میخواهی اجازه بدهی، حرفی ندارم. در این موارد خیلی شنیده اید و گفته اند. منظور اینکه آن دو بزرگوار احترام یکدیگر را نگه میداشتند و هر دو اجازه ی یکدیگر را معتبر می دانستند. اما راجع به سؤال دیگری که پرسیده اند: در ابتدا واقعه ای را از دانشگاه آن موقع که ما در آنجا بودیم نقل می کنم. البته الان همه ی اساتید ما رحمه الله علیهم هستند. آن زمان در دانشکده ی ادبیات، دانشجویی که مردود شده بود آمد پیش استاد خود بدیع الزمان فروزانفر که چرا من را رد کرده اید؟ (این را می دانیم که مجوز یعنی نامه ای که به آدم اجازه میدهد. مجوز این کار یعنی قانون اجازه داده که این کار را کسی بکند، بهر تقدیر صحیح این لغت مجوز است. (در دانشکده ادبیات هم که همه باید از تلفظ درست این لغات مطلع باشند. آن دانشجو گفته بود که استاد، شما من را به چه مجوزی رد کرده اید؟ و استاد گفته بود: به همین مجوزی که می گویی. یعنی آن قدر بی سواد هستی که کلمه ی مجوز را بلد نیستی بخوانی و مجوز می خوانی. حالا

رحم الله معشر الماضین  
که به مردی قدم سپردندی

خدا رحمت کند هم آن شاگرد را که به ما چیزی یاد داد و هم استاد را که دلیل رد کردن را گفت. حالا اصل سؤال این است که مثلاً من یکی دو سال است درویش شده ام و هیچی در خود نمی بینم. ناگفته نماند که به دستورات هم که داده اند رفتار نکرده ام! خوب این همان مجوزش است. اگر از من پرسند به چه مجوزی در سلوک جلو نرفته ام؟ میگویم: به همین مجوزی که خود شما فرموده اید. اگر حساب کنید که طلبی از خدا دارید و می گویند: طلب ما را بده. تو چه کرده ای که بگویی طلب ما را بده؟ کسی حق دارد (نه اینکه صحیح است) بپرسد که بگوید با وجودی که همه ی دستورات را انجام داده ام، مع ذلک در خود ترقی نمی بینم. البته این هم هست که اگر شما به یک مسافرت معمولی به شهری که تا حالا نرفته اید بروید و بین راه هم خیلی منازل زیبا باشد، بعضی نزدیک و بعضی دور، شما می توانید به جای اینکه بگویید: خدایا چرا آن منظره ی زیبایی که در چند کیلومتری است و من فقط شبحی از آن را می بینم را نزدیک من درست نکرده ای؟ حالا درخواست که مجانی است. چرا این را می خواهید؟ به جای آن بگویید: چشم من را بینا کن که آن را از چند کیلومتری ببینم. هر دو نتیجه یکی است، ولی این یکی دید روشن تری دارد، برای اینکه نه تنها به این دید اکتفا نکرده بلکه میخواهد به طور کلی همه ی دید او خوب باشد.

حالا باید پرسید که ما از تشرف و سلوک چه می خواهیم؟ آیا شما از اینجا که میخواهید به صورت زمینی سفر بروید، به قم که نمی خواهید بروید، می خواهید به مشهد بروید، شنیده اید که در بین راه مشهد، محلی که قبر عطار هست، وجود دارد که نزدیک نیشابور است و خیلی باصفا هم هست. حالا اگر کسی بدرقه ی شما آمده باشد، به او نمیگوید که: می خواهم بروم مشهد برای اینکه قبر عطار را ببینم، یا بروم فلان ده که خوش آب و هواست. هدف شما چیز دیگری است که آب و هوا در ذیل آن قرار دارد. مثل اینکه فرض کنید گندم کاشته اید وقتی سبز شد و درو می کنید هم گندم دارید و هم کاه. به گندم بیشتر توجه دارید که یک دانه آن حرام نشود، ولی کاه را باد می آید و نصف آن را هم می برد. نه اینکه کاه را نمی خواهید، نه! کاه هم خوب است، ولی بعد از اینکه گندم به دست شما آمد.

سلوک را هم همینطور حساب کنید. سلوک یعنی راه رفتن. سالک یعنی رهرو. در همین پندصالح که می خوانید، خیلی از موارد، رهرو فرموده اند. راه به جایی منتهی میشود. اگر راه شما خوش آب و هوا باشد، خوب است ولی شما برای راه برنامه نمی چینید، برنامه شما رسیدن به هدف است، مثلاً رسیدن به مشهد است که می خواهید بروید. سلوک، هم زحمات و هم لذت هایی دارد. می گوید: یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْ قِيَهَ [سوره انشقاق، آیه ۶]، ای انسان تو لنگان لنگان از این سنگلاخ رد میشوی و به سمت خدا می روی و او را ملاقات می کنی و به او می رسی. هر اندازه در سلوک این هدف را استشمام کردید به همان اندازه می توانید بگویید: راهم درست بود. فرض کنید در شهرهای شمال در فصل بهار، درخت نارنج که آدم از کنارش رد میشود، بوی خوبی دارد، این مربوط به بهار نارنج است و نه فصل بهار؛ یا قصر کاشان بوی گل و گلاب می دهد. اگر در مسیری که نمیدانید کجاست چشم های شما را بستند و بردند، حالا هم خیلی رسم است، اول یک کمی بوی بهار میشنویید و این بو مشخص تر می شود و می بینید دارید نزدیک تر می شوید، بعد بوی گل و گلاب می آید و می فهمید مسیر شما خوب است، شما هم در سلوک هر چه این هدف را، فَمَلَأْ قِيَهَ را احساس کردید، به هر اندازه بیشتر احساس کرده اید، سلوک شما نتیجه داده است. اما وقتی دارید می روید قصر کاشان، اگر یک کاشانی راه را به شما نشان داد باید همان راه را اطاعت کنید و بروید، اما اگر وسط راه دیدید راه جدا می شود و راه کاشان که او گفته خیلی سنگلاخ و گرم و این راه خیلی با صفاست اگر از آن راه خوش آب و هوا بروید به هدف نمیرسید. یعنی دستور را باید انجام بدهید، آن وقت است که می توانید از کسی بپرسید که کی به کاشان می رسید و چقدر مانده است. شرط اول این سؤال اجرای دستوراتی است که داده اند.





## تعیین تاریخ برگزاری دادگاه در ایش زندانی اوین و عدم ارائه پرونده به وکلا جهت مطالعه



پرونده وکلای در ایش نعمت الهی و پرسنل سایت مجذوبان به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران منتقل شد و قرار است که جلسه دادگاهی به ریاست قاضی صلواتی در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه برای آنان برگزار شود.

به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، پرونده این افراد که بیش از هفت ماه است که در زندان به سر می برند، در اسفند سال گذشته به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب منتقل شد و زیر دست قاضی صلواتی قرار گرفت، یاد آور می شود که اتهام این افراد شامل توهین به رهبری، تشویش اذهان عمومی، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب و عضویت در گروهک انحرافی عنوان شده و از آن زمان تا کنون مراجعه وکلا برای مطالعه پرونده جهت دفاع بی نتیجه مانده و هر بار به بهانه هایی از ارائه پرونده به آنان خودداری شده است، در حالی که دسترسی وکیل به پرونده قبل از تشکیل دادگاه حق طبیعی متهم بوده تا بتواند مدارک و مستندات لازم برای دفاع را آماده کند، همین موضوع سبب نگرانی وکلای پرونده مبنی بر عدم طی قانونی روند دادرسی شده است.

یادآور می شود آقایان امیر اسلامی، امید بهروزی، فرشید یداللهی، حمید مرادی، افشین کرم پور و رضا انتصاری وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور در ۱۳ شهریور ماه سال گذشته در ادامه حوادث کوار بازندداشت شدند و آقای مصطفی دانشجو نیز با وجود اینکه در آن زمان در زندان ساری محبوس بود پس از پایان مدت محکومیت، در آبان ماه سال گذشته به زندان اوین منتقل شد و همین موارد اتهامی را دارا می باشد؛ لازم به ذکر است که از این میان حمید مرادی علاوه بر این اتهامات واهی و بی اساس متهم به تخریب اموال عمومی نیز شده است

## اخراج یک درویش گنابادی از شهرداری کرج



به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور، آقای عمادالدین مردانی بر اساس نظریه اداره کل تعیین صلاحیت و اسناد وزارت اطلاعات به اتهام پیروی از سلسله نعمت الهی گنابادی، از شهرداری کرج اخراج شد.

در طول سالهای اخیر، مخالفین تصوف در نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، تعرض شغلی به درویش و پیروان سلسله نعمت الهی گنابادی را در دستور کار خود قرار داده اند.

از منظر حقوقی نیز این مسئله قابل تأمل و بررسی است چراکه براساس اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تفتیش عقیده ممنوع است و افراد را نمی توان به صرف داشتن اعتقاد مورد اخافه و مزاحمت قرار داد حتی در مقررات موضوعه جزایی نیز درویش بودن جرم نبوده و مجازاتی برای آن در نظر گرفته نشده است اما اداره کل تعیین صلاحیت و اسناد وزارت اطلاعات در ایش سلسله نعمت الهی گنابادی را مورد شناسایی قرار داده و از طریق ارسال نامه های

محرمانه یک سطری و بدون ارائه هیچگونه دلیل و یا مدرکی قانونی برای واحدهای گزینشی، در ایش را فاقد صلاحیت اعلام و خواستار اخراج آنها می شود. یادآور می شود در سالهای اخیر، اداره کل تعیین صلاحیت و اسناد وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، بر خلاف قانون اساسی و قوانین موضوعه، بند ۵ ماده ۲ قانون گزینش را دستاویزی برای اعلام فقدان صلاحیت درویش و پیروان سلسله نعمت الهی گنابادی برای اشتغال در مراکز دولتی و آموزشی و علمی قرار داده و هر از گاه معلمان، استادان و کارکنان دولت را به جرم درویش بودن بیکار می کنند.

در بند ۵ ماده ۲ قانون گزینش استخدامی کشور که ضوابط عمومی گزینش اخلاقی، اعتقادی و سیاسی مستخدمین دولت را برمی شمارد، از جمله شرایط عمومی داوطلبان استخدام، عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی، هواداری از احزاب و سازمانها و گروههایی که غیرقانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده و یا می شود، بیان شده است اما نهادهای اطلاعاتی بدون توجه به مقررات جزایی جمهوری اسلامی ایران که درویشی و درویش بودن را جرم ندانسته و برای آن مجازاتی در نظر نگرفته است، این بند از قانون گزینش استخدامی را مستمسکی برای تعرض به درویش گنابادی قرار داده اند.



## وضعیت وخیم کسری نوری در بازداشتگاه اطلاعات شیراز



کسری نوری به بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز منتقل شده است و وضعیت این درویش گنابادی وخیم گزارش شده است.

به گزارش سایت مجذوبان نور؛ پس چند روز بی خبری از محل نگهداری کسری نوری و پیگیری خانواده این درویش گنابادی مشخص شد که آقای نوری را به بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز معروف به پلاک ۱۰۰ منتقل کرده اند. خانواده این درویش گنابادی موفق شده اند صبح امروز سه شنبه مورخ ۲۲ فروردین پس از یک ماه بازداشت در بند هدایت قرنطینه‌ی بازداشتگاه مرکزی زندان شیراز و بند سبز جوانان زندان عادل آباد با این درویش گنابادی در بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز ملاقات کنند.

به گفته‌ی خانواده آقای نوری ملاقات در فضای شدید امنیتی صورت گرفته است و شرایط جسمی و روحی این درویش گنابادی بسیار وخیم بوده که در اثر فشار شکنجه‌های روحی و عدم رعایت حقوق شهروندی در روند بازجویی‌ها می‌باشد.

این درویش گنابادی یکبار در تاریخ ۲۱ دی‌ماه به اتهام فعالیت شبانه روزی و اقدام علیه نظام و عضویت در گروهک انحرافی بازداشت و پس از ۴۶ روز حبس در اداره اطلاعات شیراز و زندان عادل آباد شیراز با وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد شد و سپس مجدداً در تاریخ ۲۴ اسفند ماه به اتهام فعالیت تبلیغاتی علیه نظام به نفع بیگانگان و ارتباط و مصاحبه با رسانه‌های بیگانه بازداشت شد.

این درویش گنابادی در حالی به مدت ۲ هفته در بند هدایت قرنطینه‌ی بازداشتگاه مرکزی شیراز نگهداری شده که این بازداشتگاه دارای وضعیت اسفباری است و بازداشت شدگانی که در این قرنطینه نگهداری می‌شوند در بدترین وضعیت بهداشتی قرار دارند و برخورد غیر انسانی مأمورین و بازجویان همراه با شکنجه و خلاف قوانین حقوق شهروندی می‌باشد.

دلیل بازداشت مجدد این درویش گنابادی مصاحبه ای بوده که کسری نوری پس از آزادی با رادیو فردا در مورد نحوه بازجویی، برخورد بازجویان و شرایط بازداشت و اتهامات و شرایط بازداشتگاه پلاک ۱۰۰ و زندان مرکزی شیراز انجام داده است.

## اعزام حمید مرادی به بیمارستان مدرس تهران



حمید مرادی سروستانی از درویش زندانی اوین روز چهارشنبه ۱۶ فروردین از زندان اوین به بیمارستان مدرس تهران اعزام شد.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور علت این اعزام ناراحتی و درد شدید وی از ناحیه کلیه عنوان شده، وی پس از انجام آزمایشات و معاینه توسط پزشک در همان روز به زندان اوین برگردانده شد. طبق این گزارش مأمورین زندان از ملاقات خانواده وی در بیمارستان با وی جلوگیری کرده و مانع از نزدیک شدن و جویا شدن از احوال وی شدند.

گفتنی است که آقای مرادی مدتی زیادی است که از این ناراحتی رنج می‌برد اما مسئولین زندان در اعزام علی‌رغم تجویز پزشک بهمداری همکاری نمی‌کردند و به وی هر شب از شدت درد و ناراحتی تنها مسکن تزریق می‌کردند، این در حالی است که وی از بیماری قلبی نیز رنج می‌برد و هر گونه فشار و ناراحتی برای وی توصیه نمی‌شود.

## انتقال افشین کرم پور به بیمارستان



افشین کرم پور از وکلای زندانی درویش روز ۲۹ فروردین برای مداوای شکستگی ناحیه پا به بیمارستان طالقانی تهران منتقل شد.

به گزارش خبرنگار مجذوبان نور؛ افشین کرم پور مدت بیش از سه ماه است که از ناحیه پا دچار آسیب شده بود اما مسئولین زندان از انتقال وی به بیمارستان اقدامی به عمل نمی‌آوردند، که به دلیل شدت آسیب دیدگی این درویش گنابادی سه ماه گذشته را با درد شدید سپری کرده است.

لازم به یاد آوری است که آخرین باری مأمورین زندان قصد داشتند وی را برای درمان ناحیه پا به بیمارستان منتقل کنند وی به دلیل اینکه این اعزام با دسبند صورت می‌گرفت از رفتن به بیمارستان خودداری کرد و این اقدام را غیر قانونی توصیف کرد.

## برگزاری مراسم بزرگداشت جناب آقای حاج شمس الدین حایری «ارشاد علی» در شهرهای مختلف



به مناسبت هفتمین روز رحلت شیخ جلیل القدر سلسله نعمت الهی گنابادی، جناب آقای حاج شمس الدین حایری «ارشاد علی» و زنده نگاه داشتن یاد و خاطره آن بزرگوار، مراسمی از سوی فقرای نعمت الهی سلطانعلیشاهی و خانواده ایشان در شهرهای تهران، کوار، بندرعباس، شیراز، ارومیه، کیش، سیرجان، اهواز، شوش، بروجرد، دورود، نهاوند، همدان، کرج، سمنان، خرم آباد و اراک در هفته دوم فرودین ماه برگزار گردید.

همچنین مراسم یادبود و بزرگداشت شیخ بزرگوار جناب آقای شمس الدین حایری «ارشاد علی» فقرای استان کرمان و جامعه بازنشستگان آموزش و پرورش کرمان با شکوه برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مجنوبان نور، این مراسم با حضور خانواده ایشان (فرزند برومند ایشان آقای حبیب حایری که در کشور استرالیا مجاز به اقامه نماز هستند)، فقرای استان کرمان (مأذونین کرمان جناب آقایان سید محمد رضا قاعی و محمود دلاوری) (همچنین سراسر کشور از جمله تهران، قم، کاشان و ...) و همکاران و شاگردان ایشان در کرمان برگزار گردید. در این مراسم که با قرائت قرآن آغاز شد و سپس شاگردان و همکاران ایشان به ایراد سخنرانی در مورد

کمالات صوری و معنوی ایشان پرداختند که در این بین یکی از شاگردان درس استاد حایری که خودش کرمان شناس بنام سرزمین کریمان مطرح می باشد در مورد فضایل معنوی ایشان اینگونه سخن گفتند: بر اساس این جهان بینی مولانا که می فرماید:

ای برادر تو همه اندیشه ای

مابقی تو استخوان و ریشه ای

گر بود اندیشه ات گل گلشنی

ور بود خاری توهیمه گلخنی

بزرگ مردی چون حاج شمس الدین حایری که همگی اهل این مجلس به شاگردی ایشان به خود می بالیم به تحقیق دارای اندیشه های گلشنی می باشد که در جامعه و در سایه این درختان اندیشه اش تا سالها و تا قرنهای آینده ما صاحب انسان های فکور و اندیشمند خواهیم بود. درود بر روان پاک ایشان که از نخستین کسانی بود که فرهنگ را در قالب واقعی و اصولی پیاده کرد و نامی جاودانه برای خود گذاشت. جامعه فرهنگ ما، آموزش و پرورش ما همیشه به وی مدیون خواهد بود. درود بر روان پاک معلمی که همچون شمعی سوخت که نور او روشنی بخش اطراف خود باشد تا اندیشه و تفکر را در جامعه نهادینه کند



## گزارش نقض حقوق در ارایش گنابادی در سال ۱۳۹۰



سال ۱۳۹۰ هجری خورشیدی که ساعات پایانی آن را پشت سر می گذاریم برای همه ایرانیان از جمله در ارایش و پیروان طریقت نعمت الهی گنابادی، سالی پر تشنج و اندوه بار بود. سایت مجذوبان نور ضمن تبریک و تهنیت بهار و تولد دوباره طبیعت و در فضای خاموش و غم انگیز سکوت رسانه ها، وقایع اتفاقیه علیه در ارایش گنابادی در سالی که گذشت را منتشر می کند، بدان امید که علاوه بر مرور آنها در اذهان، متعديان به حقوق در ارایش و قانون گریزان در مراکز قدرت نیز کمی بیشتر به این کلام حکیمانه بزرگان دین دقت کنند که فرموده اند:

آه دل درویش به سوهان ماند  
گر خود نبرد، برنده را تیز کند

### الف: احضار در ارایش به نهادهای قضایی و امنیتی

(۱) حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوبعلیشاه) به اتهام معاونت در تهدید علیه بهداشت عمومی از طریق دفن اموات در مزار سلطانی بیدخت، از سوی شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۳ تهران (ویژه نیابت) احضار شدند.

(۲) اکبر جمشیدی از در ارایش گنابادی ساکن شهرستان قوچان را به اداره اطلاعات این شهرستان احضار کردند. این درویش در زمره در ایشی ست که در تیرماه سال ۱۳۸۸ به دلیل رفتار خلاف قانون دادستان گناباد در برخورد با در ارایش، در تجمع اعتراضی مقابل دادگستری آن شهرستان شرکت کرد.

(۳) عباس صالحیان از در ارایش طریقت نعمت الهی گنابادی ساکن در شهرستان گلپایگان از سوی اداره اطلاعات این شهرستان احضار شد.

(۴) عمران دوست محمدی از در ارایش طریقت نعمت الهی گنابادی ساکن در شهرستان گلپایگان از سوی اداره اطلاعات این شهرستان احضار پس از امتناع از تعهد به تعطیلی مجالس، مورد ضرب و شتم، فحاشی و تهدید قرار گرفت.

(۵) دکتر بیژن بید آباد از در ارایش گنابادی از سوی اداره اطلاعات به صورت تلفنی احضار شد.

(۶) از سوی دادستان سروستان برای چهار درویش به نام های: فرزاد درویش، محمد علی سعیدی، محمد جلال نیکبخت و حجت الله سعیدی از سوی دادستان سروستان کیفرخواستی تحت عنوان اتهام اخلال در نظم عمومی صادر شد و به دادگاه احضار شدند.

(۷) در طی احضاریه ای از سوی نیروی انتظامی، آقایان مرتضی رحیمی، علی و کیلی، رسول رحیمی، مصطفی رحیمی فرزند عزیزالله به اداره اماکن نیروی انتظامی مراجعه و مورد بازجویی قرار گرفتند.

(۸) اداره اطلاعات سمنان برخی از در ارایش جانباز را که مدارک و اسناد جانبازی خود را در یکی از سایت های حامی حقوق در ارایش منتشر کرده بودند احضار کرده و مورد بازجویی قرار داد. و برای بیان علت انتشار و ذکر نام افراد منتشر کننده و اصرار به شکایت علیه آنان، این در ارایش را تحت فشار و بازجویی قرار دادند.

(۹) ماموران لباس شخصی بدون مجوز قانونی به منازل دو تن از در ارایش کوار با نام های شهناز زارع و امان الله چراغی هجوم بردند اما به خاطر عدم حضور این دو درویش در منزل، به تفتیش منزل و ضبط اقلام فرهنگی، پدران آنها با نام های منوچهر زارع و حسن قلی چراغی را بازداشت کردند.

(۱۰) ۱۳ نفر لباس شخصی به همراه دو سرباز، به خانه ی عبدالرضا آرایش از در ارایش سلسله نعمت الهی گنابادی حمله ور شده و او را دستگیر کرده اند که جریان این دستگیری مدارک شخصی و اقلام فرهنگی موجود در خانه ی این درویش را نیز با خود برده اند.

(۱۱) همراهان و بستگان مجروحان حادثه ی کوار آقایان: حمید پوررضا قلی، خسرو دری، مجید متقیان، حسین اسدی فریدونی، حسن ویتقلی، حمید پرهیزگار، حکمت نادری در بیمارستان رجایی شیراز توسط مأمورین امنیتی بازداشت شدند.

### ب: تفتیش و بازرسی منازل، بازداشت و محاکمه در ارایش

(۱) جلسه رسیدگی به اتهام حمزه ملکشاهی، تحت عنوان تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت در مجالس درویشی از در ارایش سلسله نعمت الهی گنابادی، در دادگاه انقلاب الشتر برگزار شد.

(۲) بازداشت ۴ دانشجوی معترض دانشکده حقوق و علوم سیاسی خرم آباد در تجمع اعتراضی به اخراج غیر قانونی استاد خود، آقای آقای احسان اله حیدری و کیل پایه یک دادگستری و عضو تمام وقت و رسمی هیأت علمی این دانشکده.

(۳) ماموران اطلاعات به طور همزمان ۸ درویش گنابادی به نام های نظرعلی مروی، محمد مروی و علی کاشانی فر را در شهرستان گناباد، ظفرعلی مقیمی را در شهرستان قوچان و عبدالرضا کاشانی، علیرضا عباسی، شکرالله حسینی و رامین سلطان خواه را در شهرستان بیدخت دستگیر و روانه زندان و کیل آباد مشهد کردند. این بازداشت در پی صدور حکم قطعی شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی صورت گرفت که به دلیل تجمع اعتراضی به رفتار غیرقانونی دادستان گناباد انجام شد.

(۴) محمد کاشانی فر که از سوی شعبه ۱۰۱ دادگاه جزایی گناباد به ۵ ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق و یکسال تبعید محکوم شده بود توسط مأموران اطلاعات شهرستان گناباد بازداشت شد.

(۵) منزل شخصی آقای پرویزملک شاهی یکی از در ارایش گنابادی که مجالس درویشی شبهای جمعه در منزل وی برگزار می شود توسط مأمورین امنیتی به دستور دادستان الشتر تفتیش شد اقلام فرهنگی و عرفانی ایشان توقیف شد و با بازداشت وی، پرونده ای برای وی تحت عنوان تمرد از دستور و توهین به مأمورین تشکیل داده شد.

(۶) آقایان: احمد رضا حسینی، اکبر احمدی، مهدی عزیزی، محمد موسوی، جمال حسینی از در ارایش شهرکرد و خسرو دری، حسن ویس قلی، حسین اسدی، مجید متقیان، حمید پور رضا قلی از در ارایش سیرجان در راه شهرستان کوار برای عیادت برادران ایمانی توسط نیروهای لباس شخصی و انتظامی بازداشت شدند.

(۷) منزل شخصی آقایان: کاظم دهقان، غلامعلی بیرمی، محمد علی صادقی، مهرداد کشاورز از در ارایش شهرستان کوار توسط نیروهای لباس شخصی مورد تفتیش و بازرسی قرار گرفت.

(۸) ماموران لباس شخصی و امنیتی در پی جریانات کوار یازده نفر از در ارایش گنابادی را به نام های: حجت ولی زاده از شهرستان کوار، کاظم حسین زاده از شهرستان سروستان، حجت کشاورز از شهرستان سروستان، رحیم پور رستم از شهرستان کازرون، یدالله پارسیان از شهرستان نورآباد، علی

- اصغر سعیدی از شهرستان سروستان، نصرالله حیدری از شهرستان نورآباد، سعید کریمایی از شهرستان کرج، مسعود احمدی از شهرستان کرج، امین صفاری از شهرستان کرج، ایمان کرمی از شهرستان شیراز بازداشت کردند.
- ۹) آقایان: حمید مرادی سروستانی، رضا انتصاری، علیرضا روشن، علی کرمی، مهدی اسنالو، مهدی حسینی، علی آسترکی، مصطفی عبدی، مهران رهبری، نصرت طبسی، علی معظمی شامل اعضا و پرسنل سایت مجذوبان و درویش گنابادی در منزل شخصی یکی از مدیران سایت توسط عده ایی لباس شخصی بدون ارئه مجوز قانونی و قضایی مورد هجوم قرار گرفته و دستگیر شدند. که از این تعداد ۸ نفر پس از یک ماه حبس در سلول انفرادی با قرار کفالت آزاد شده و آقای حمیدرضا مرادی سروستانی و رضا انتصاری با وجود گذشت بیش از ۶ ماه بدون اینکه هیچگونه دادگاهی برگزار شود، همچنان در زندان اوین به سر می برند.
- ۱۰) آقایان: اصغر زارع، داوود مهرداد، پژمان کاشفی، رحیم پور رستم، دالله پارسیان، کاظم حسین زاده، ایمان کرمی، سعید احمدی، عباس حق وردی، سعید کریمیان، علی اصغر سعیدی، علیرضا سعیدی، حجت ولی زاده، حمید پرهیزکار، جلیل خلیفه، حکمت نادری، نعمت کاظمی نیا از درویش نعمت الهی گنابادی که در حادثه کوار تو توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی ها دستگیر و به بازداشتگاه مرکزی زندان عادل آباد شیراز منتقل شدند.
- ۱۱) مامورین به منزل شخصی مدیریت سایت مست یار رفته و با ایجاد رعب و وحشت برای خانواده ی ایشان اقدام به مصادره و ضبط اقلام فرهنگی، کتاب های عرفانی و عکس های بزرگان سلسله نعمت الهی گنابادی نموده و تمامی سیستم های کامپیوتر و وسایل مرتبط را ضبط کردند.
- ۱۲) نیروهای امنیتی و لباس شخصی با یورش به منزل شخصی آقای صالح مرادی سروستانی در شیراز، ایشان را بدون ارائه حکم قضایی و قانونی دستگیر کردند. وی پس از گذشت بیش از شش ماه همچنان در زندان عادل آباد شیراز زندانی می باشد.
- ۱۳) نیروهای امنیتی و لباس شخصی با یورش به منزل شخصی آقایان اکبری و بیرمی در شهرستان کوار آنها را بدون ارائه حکم قضایی و قانونی دستگیر کردند.
- ۱۴) خانم فرزانه نوری یکی از درویش گنابادی در شهر شیراز بدون ارائه حکم قانونی و قضایی توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت و به پلاک ۱۰۰ شیراز منتقل شد.
- ۱۵) نیروهای امنیتی و لباس شخصی با یورش به منزل شخصی فرزاد درویش در شهر سروستان ایشان را بدون ارائه حکم قضایی و قانونی دستگیر کردند.
- ۱۶) بهزاد نوری یکی از درویش گنابادی در شهر شیراز با یورش مامورین امنیتی و لباس شخصی به محل کار وی بدون ارائه حکم قانونی و قضایی بازداشت شد.
- ۱۷) آقای دکتر شرعیاتی از درویش گنابادی یزد توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بدون ارائه حکم قانونی و قضایی بازداشت شد و پس از دو روز با شرط عدم گشایش مطب خود آزاد شد.
- ۱۸) جلسه دادگاه رسیدگی به اتهام آقایان اکبری و بیرمی دو تن از درویش گنابادی در شهرستان کوار در شعبه اول دادگاه عمومی آن شهرستان برگزار شد. اتهام این درویش اخلال در نظم عمومی و اقدام علیه امنیت عنوان شد و قرار تامین کیفری این ۲ درویش گنابادی وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی اعلام گردید که این درویش حاضر به تودیع وثیقه نشده و به حکم دادگاه به زندان عادل آباد شیراز انتقال داده شدند.
- ۱۹) آقایان: مجید رشیدی، اسماعیل صنعت پرست، بهزاد صنعت پرست، رضا قهرمانی، سعید رحمت پناه، نعمت کاظمی نیا، مهرداد فرید نیا، قادر فرمودی، محمود تقی پور، علی حسین مزبوری، منوچهر مزبوری، محمد صادقی، تقی صابری، ابراهیم مختار خروجی، هادی شاه رضا، مهران نجار، علی بابایی، رامین اشکوه، هدی رحمتی، آرش شلتوکی، نعمت کاظمی، تیمور همایونی، داوود مهرداد، منصور مزبوری به علت شرکت در تجمع اعتراضی برای دستگیری غیر قانونی و کلا و اعضای سایت مجذوبان در مقابل زندان اوین با برخورد غیرقانونی مامورین امنیتی و انتظامی بازداشت شدند.
- ۲۰) منزل شخصی آقایان محمد علی دهقان، نظام ملک پور و مهدی امیدی بدون ارائه حکم قانونی و قضایی به شکلی زننده و وحشیانه توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی مورد تفتیش و بازرسی قرار گرفت.
- ۲۱) منازل آقایان امان چراغی در فرمشکان کوار و محمد علی صادقی در کوار به صورت غیرقانونی توسط مامورین امنیتی به صورت خوشنت آمیزی مورد تفتیش قرار گرفت و کتابها و عکسها و دیگر اقلام فرهنگی ایشان ضبط شد.
- ۲۲) نیروهای امنیتی با حمله به مغازه محمد علی شمشیر زن یکی از درویش گنابادی و با تیر اندازی به سوی وی با ایجاد رعب و وحشت به ضرب شتم وی اقدام کردند.
- ۲۳) نیروهای امنیتی و لباس شخصی با تفتیش و بازرسی منزل مهدی دهقان یکی از درویش گنابادی ساکن کوار وی را بدون ارائه حکم قانونی بازداشت کردند.
- ۲۴) نیروهای امنیتی و لباس شخصی با تفتیش و بازرسی منزل علی جان دهقان و یحیی دهقان از درویش گنابادی ساکن کوار ایشان را بدون ارائه حکم قانونی بازداشت کردند.
- ۲۵) مهدی قنبری یکی از درویش گنابادی ساکن کوار توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بدون ارائه حکم قضایی در محل کارش بازداشت شد.
- ۲۶) نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت و از درویش گنابادی توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی و ضبط وسایل شخصی ایشان، بدون حکم قانونی و قضایی بازداشت و به بند ۲۰۹ اوین منتقل شد. ایشان از مدتی پیش در ادامه فشار بر درویش گنابادی از سوی نیروهای امنیتی به اداره اطلاعات احضار تلفنی شده بود.
- ۲۷) نیروهای امنیتی با حمله به منزل شخصی رضا پیشکار، درویش گنابادی در کوار علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی و ایجاد رعب و وحشت برای خانواده وی ایشان را بازداشت و به زندان عادل آباد شیراز منتقل کردند.
- ۲۸) چند تن از نیروهای امنیتی و لباس شخصی با حمله به منزل نظام ملک پور درویش ساکن کوار علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی منزل وی اقدام به تخریب اموال و ایجاد وحشت در بین خانواده ایشان کردند که منجر به وخامت وضعیت جسمی همسر نظام ملک پور و انتقال ایشان به بیمارستان نیز شد.
- ۲۹) نیروهای امنیتی با حمله به منزل شخصی کسری نوری درویش گنابادی در شیراز علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی و ضبط وسایل شخصی ایشان، وی را در بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز معروف به پلاک ۱۰۰ بازداشت کردند. وی پس از ۴۶ روز حبس با تودیع وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد شد ولی سپس پس از دو هفته بازداشت شد و اکنون در پلاک ۱۰۰ شیراز به سر می برد

۳۰) خانم سیمین نعمت الهی یکی از درویش گنابادی توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شد. نیروهای امنیتی علاوه بر تفتیش و بازرسی و ضبط وسایل شخصی ایشان، وی را بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین تهران منتقل کردند. در حکم بازداشت خانم نعمت الهی اتهام ایشان تبلیغ علیه نظام ذکر شده بود.

۳۱) چهار مامور لباس شخصی با حمله به منزل آقایان علی مرتضایی، حسام الدین باتمانی و یوسف محمدرضایی این درویش را بدون ارائه حکم قضایی بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند. برای این درویش وثیقه های ۱۰۰ میلیونی و ۳۰ میلیون تومانی صادر شده بوده و این درویش از تودیع وثیقه خودداری کردند و پس از ۴۷ روز این دو درویش گنابادی بدون تودیع وثیقه و کفالت آزاد شدند.

۳۲) مامورین امنیتی و لباس شخصی به منزل آقای کاظم دهقان از درویش گنابادی ساکن شهر کوار یورش بردند و با اعمال خشونت و ایجاد وحشت تمامی شیشه های منزل وی را شکسته و ایشان را بازداشت کردند و هم اکنون در زندان عادل آباد به سر می برد.

۳۳) حمید آرایش از درویش گنابادی ساکن شهرستان کوار توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت شد. وی که به مدت ۲ روز از محل بازداشت وی اطلاعی در دست نبود به بازداشتگاه مرکزی شیراز منتقل شده است و هم اکنون در زندان عادل آباد به سر می برد.

### پ: صدور و اجرای احکام محکومیت برای درویش

۱) مرتضی سپندار از درویش طریقت نعمت الهی گنابادی توسط نیروهای امنیتی و انتظامی و به دستور قاضی شعبه ۵ اجرای احکام کیفری دادگستری شهرستان کرج دستگیر و روانه زندان شد. صدور این حکم به شکایت اعضای موسسه فرهنگی نورمعرفت و حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) و پایگاه بسیج شهرستان کرج به اتهام توهین و ضرب و شتم انجام شد.

۲) پرویز ملکشاهی یکی از درویش طریقت نعمت الهی گنابادی در شهرستان الشتر به ۳ ماه و یک روز حبس و یکصد هزار تومان جزای نقدی محکوم شد.

۳) شکرالله حسینی، محمد مروی، علیرضا عباسی، نظر علی مروی، محمد رضا کاشانی فر از درویش طریقت نعمت الهی گنابادی پس از حبس در زندان وکیل آباد مشهد راهی تبعید گاه شدند. این دو درویش گنابادی که به دلیل تجمع اعتراضی به رفتار غیر قانونی دادستان گناباد به ۵ ماه حبس تعزیری و ۵۰ ضربه شلاق و یک سال تبعید به شهرستانهای بجنورد و قوچان محکوم شده بودند.

۴) آقایان محمد جلال نیکبخت، حجت الله سعیدی، فرزاد درویش و محمد علی سعدی توسط نیروهای انتظامی توسط نیروی انتظامی در سروستان بازداشت و به زندان عادل آباد شیراز منتقل شدند. ای بازداشت در پی اجرای رای شعبه اول دادگاه عمومی سروستان به ۶ ماه حبس و ۴۰ ضربه شلاق انجام شد.

۶) در جریان اعتراض به روش غیر قانونی دادستان گناباد با درویش، حکم شلاق ۱۴ تن از درویش به نام های سعید کاشانی، امیر روشن مجاور صوفی، علی محمد امانیان، روح الله صفری، علی عباسی بیدختی، ابراهیم عباس زاده، محمد علی جعفری، حسین مهدوی، حسین عباس زاده بیدختی، رحمت حسینی، رضا کاخکی، بهروز مجاور صوفی، علی میر، حسن بلوچی بیدختی به اجرا در آمد و به برهم زدن امنیت عمومی متهم شده و به تحمل ۲۵ ضربه شلاق محکوم شدند.

۶) رامین سلطانیخواه در بیدخت که از سوی شعبه ۱۰۱ دادگاه جزایی گناباد به ۵ ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق و یکسال تبعید محکوم شده است، بازداشت و به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شد. این حکم در پی تجمع درویش در مقابل دادگستری بیدخت در اعتراض به رفتار غیرقانونی دادستان گناباد صادر شد.

۷) آقایان فرزاد درویش سروستانی، محمد علی سعدی، محمد جلال نیکبخت سروستانی و حجت الله سعیدی در پی تحصن اعتراض آمیز درویش نسبت به برگزاری نمایشگاهی توهین آمیز بر ضد تصوف با هماهنگی فرمانداری سروستان، به اتهام اخلال در نظم عمومی به ۶ ماه حبس و ۴۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

۸) عبدالرضا کاشانی پس از اتمام دوران محکومیت ۵ ماه حبس تعزیری در زندان وکیل آباد مشهد و تحمل ۵۰ ضربه شلاق، راهی تبعیدگاه شد. اجرای این حکم در پی تجمع اعتراضی به رفتار غیرقانونی دادستان گناباد مقابل دادگستری بیدخت می باشد.

۹) پرویز ملکشاهی مجلس دار شهرستان الشتر لرستان به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شد. این حکم محکومیت به اتهام واهی توهین به رهبری از سوی شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر لرستان تایید شده است. این حکم در پی فشار وزارت اطلاعات به قوه قضاییه و سعی در محکوم کردن وی به اتهاماتی چون توهین به مامور، ترمز از دستور و فعالیت تبلیغی علیه نظام صادر شد.

۱۰) آقایان رضا قوامی، حسین فرجی، نعمت حیدری و عبدالرضا دائمی از درویش گنابادی ساکن شهرستان پلدختر استان لرستان به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به دلیل شرکت در مجالس عبادی درویش گنابادی در دادگاه انقلاب شهرستان پلدختر هر کدام به ۶ ماه حبس تعلیقی به مدت ۲ سال محکوم شدند.

### ت: محاکمه و محکومیت وکلای درویش

۱) مصطفی دانشجو یکی از وکلای درویش سلسله نعمت الهی گنابادی توسط نیروهای امنیتی در محل کار خود در تهران دستگیر شده و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد و پس از آن به زندان ساری انتقال یافت وی که با اجرای حکم ۷ ماه حبس دادگاه تجدید نظر مازندران به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی روانه زندان شده بود پس از اتمام دوره محکومیت خود به بند امنیتی زندان اوین منتقل شد و پس از ماه ها تحمل سلول انفرادی و بازجویی به بند ۳۵۰ منتقل شد. وی بیش از ۱۰ ماه است که در زندان به سر می برد و هنوز برای اتهام اخیر هیچ دادگاهی برگزار نشده است.

۲) آقایان امیر اسلامی و افشین کریمپور از وکلای درویش گنابادی به همراه آقای غلامرضا شیرزادی استاد یار دانشگاه در جریان حادثه کوار به صورت غیر قانونی بازداشت شدند. امیر اسلامی و افشین کرم پور به تهران منتقل شده و پس مدت ها تحمل سلول انفرادی بند ۲۰۹ و بازجویی به بند ۳۵۰ منتقل شدند و تا این لحظه بیش از ۶ ماه است که بدون هیچ دادگاهی در زندان اوین قرار دارند.

۳) امید بهروزی از وکلای درویش سلسله نعمت الهی در شهر شیراز توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بدون ارائه حکم قانونی و قضایی بازداشت شد و پس از انتقال به سلول های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین تحت بازجویی قرار گرفت. وی هم اکنون در بند ۳۵۰ اوین به سر می برد و بیش از شش ماه است که در زندان است و هیچ دادگاهی برای رسیدگی به وضعیت وی ترتیب داده نشده است.

۴) فرشید یداللهی فارسی وکیل درویش گنابادی در شهر شیراز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و پس از تحمل حدود ۳ ماه انفرادی در بند ۲۰۹ اوین به بند ۳۵۰ منتقل شد. وی بیش از شش ماه است که بدون برقراری هیچ دادگاهی در زندان اوین به سر می برد.

### ث: فیلترینگ سایتها و محدودیت برای مراکز آموزشی و پژوهشی در اوبیش

(۱) سایت مجذوبان نور ( پایگاه خبری در اوبیش گنابادی )، سایت مزار سلطانی، سایت تصوف ایران، درویشان بندرعباس، حریت، دنیای عرفانی، فقرای خرم آباد، وبلاگهای پشتیبانی سایت مجذوبان نور شاخه استانهای اصفهان، خوزستان، هرمزگان، فارس، البرز، خرم آباد، همدان و کلیه وبلاگهای منتسب به در اوبیش به طور پیاپی فیلتر شدند و بعضی از سایتهای فرهنگی سلسله نیز از سوی کمیته فیلترینگ تهدید به فیلتر شد.

(۲) جدا از فیلتر شدن، سرور سایت مجذوبان نور پایگاه خبری در اوبیش گنابادی دو بار مورد حمله شدید سایبری قرار گرفت.

(۳) در پی پلمپ مغازه کتابفروشی احمد جمشیدی از در اوبیش طریقت نعمت الهی گنابادی در شهرستان قوچان و ضبط کتابهای عرفانی موجود در آن، مراکز امنیتی این شهرستان اقدام به خمیر کردن و نابودی این کتابها کردند.

### ج: تعدی به حسینیه ها و محل برگزاری مجالس درویشی

(۱) تجمع عده ای از افراطیون مذهبی در مقابل محل برگزاری مجالس در اوبیش نعمت الهی گنابادی در شهرستان سروسن به قصد تحریک برای درگیری و تهاجم به ایراد شعار علیه تصوف و این طریقت عرفانی پرداختند.

(۲) نیروهای امنیتی با احضار مجلس دار قوچان و تهدید خواستار عدم اقامه نماز عید فطر در مجلس در اوبیش نعمت الهی گنابادی آن شهرستان قوچان شدند.

(۳) ۱۵ تن از نیروهای لباس شخصی و انتظامی، بدون مجوز قانونی به مجلس درویشی در روستای دشتی اصفهان، وارد شدند و ضمن فیلمبرداری از مراسم، ۵ تن از در اوبیش را به اسامی مصطفی رحیمی، رسول رحیمی، مصطفی رحیمی، مرتضی رحیمی و علی و کیلی را بازداشت و به کلانتری این روستا انتقال دادند.

### چ: اعمال خشونت و سایر محرومیتها و مزاحمتها نسبت به در اوبیش

(۱) آقای احسان اله حیدری وکیل پایه یک دادگستری و عضو تمام وقت و رسمی هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد به دستور وزارت اطلاعات، به دلیل درویش بودن و وکالت از در اوبیش گنابادی در مراجع قضائی پس از ۱۲ سال سابقه، اخراج شد.

(۲) آقای رحیم محمد پور از در اوبیش نعمت الهی گنابادی ساکن فولادشهر اصفهان و شاغل در مجتمع فولاد مبارکه، به علت دلبستگی به طریقه نعمت الهی گنابادی، از کار بر کنار شد.

(۳) امام جمعه شهرستان سروسن پیروان تصوف و عرفان را به برخورد فیزیکی تهدید کرد و در پی آن شماری از نیروهای افراطی و تندروهای مذهبی به تحریک در اوبیش گنابادی این شهرستان مبادرت کردند.

(۴) ماموران لباس شخصی، یکدستگاه تاکسی تحت تصرف ابراهیم گنجی، به اتهام دلبستگی وی به در اوبیش سلسله نعمت الهی گنابادی، در شهر کرد توقیف کردند و وی را به لغو مجوز به علت درویشی تهدید کردند.

(۵) عده ای ناشناس تحت عنوان بسیجی با نصب اعلامیه و پارچه نوشته هایی در سطح شهرستانهای گناباد و بیدخت برای تجمع در مزار سلطانی بیدخت فراخوان دادند.

(۶) آقای عمران دوست محمدی از در اوبیش طریقت نعمت الهی گنابادی که به صورت قراردادی با شرکت کانون بازنشستگان بانک مسکن استان اصفهان مشغول به کار بود با فشار اداره اطلاعات وی خواسته شد تا نزد امام جمعه آن شهرستان حاضر شده و از درویشی توبه نماید تا وی را به سر کار خود بازگردانند و با امتناع از این عمل از کار اخراج شد.

(۷) طلبه جوان به همراه نیروهای بسیجی با پخش سی دی هایی علیه در اوبیش سلسله نعمت الهی گنابادی در شهرستان کوار و تبلیغ و جو سازی علیه در اوبیش، اعلام راهپیمایی بر ضد تصوف کرده به طوری که هیچ نهادی اقدامی به جلوگیری از این عمل غیر قانونی انجام نداد و در نهایت این غائله به پرتاب گاز اشک آور و شلیک گلوله منجر شد.

(۸) آقایان ابراهیم فضلی، اصغر کریمی، محمد علی سعدی و وحید بنانی در حالی که برای عبادت برادران ایمانی خود به شهرستان کوار مراجعه کرده بودند توسط نیرو های یگان ویژه و ماموران لباس شخصی مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و شدت جراحت وارده منجر به شهادت وحید بنایی می شود.

(۹) امیرحسین محمدی و فرشاد میرهادی از در اوبیش سروسن در اثر ضربات باتوم و شوکرهای برقی ماموران سخت مجروح و روانه بیمارستان سروسن شده اند.

(۱۰) تهدید ماموران امنیتی به دفن جنازه شهید بنایی در مکانی نامعلوم در صورت شرکت در اوبیش نعمت الهی در مراسم تشییع پیکر این شهید.

(۱۱) آقایان ابراهیم فضلی، محمد علی سعدی، اصغر کریمی از در اوبیش گنابادی که بر اثر تیر اندازی مأمورین امنیتی مجروح و در بیمارستان رجایی شیراز بستری شده بودند با فشار مأمورین امنیتی به بیمارستان برای عمل جراحی و خدمات درمانی از بیمه محروم شدند و بیمارستان از پذیرش بیمه درمانی آنها خودداری نمود.

(۱۲) آقایان: اسماعیل روند لنگرودی و سعید رضا کمال از مدیران ارشد شرکت خودرو سازی زامیاد در پی استعلام حراست این شرکت خودرو سازی از وزارت اطلاعات و فشار این وزارت خانه به علت اعتقاد به مکتب درویشی از سمت خود بر کنار شدند.

(۱۳) صالح مرادی از در اوبیش گنابادی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی در زندان عادل آباد شیراز به سر می برد برای انجام فریضه نماز و بیداری سحر ملزوم به معرفی خود به حفاظت اطلاعات زندان و دریافت مجوز به صورت هفتگی و ماهانه برای خواندن نماز می باشد.

(۱۴) مقاومت آقای امین آزادی ساکن خرمشهر در پی تهدیدهای عده ای در برابر بازگشتن از درویشی منجر به ضرب و شتم شدید وی توسط ۵ نفر ناشناس شد.

(۱۵) عده ای افراطی مذهبی برای دومین بار امین آزادی از در اوبیش گنابادی ساکن خرمشهر را بعد از تهدیدهای جانی پیاپی، او را مقابل مجلس درویشی این شهر مورد حمله قرار داده و به شدت مجروح کردند.

(۱۶) مسئولین حفاظت زندان برای اعزام آقایان رضا انتصاری و افشین کرم پور به مراکز درمانی اقدام به استفاده از دسبند کردند که آنها به علت غیر قانونی بودن این کار از رفتن به بیمارستان خودداری کردند.

(۱۷) آقایان فرزند درویش، محمد علی سعدی محمد جلال نیکبخت و حجت الله سعیدی در شرایط بسیار بدی در زندان پیرنابان شیراز بسر می برند و از ابتدایی ترین حقوق خود اعم از تغذیه مناسب، خدمات درمانی و بهداشتی در زندان محروم هستند. این محکومیت به اتهام اخلال در نظم عمومی به ۶ ماه حبس و ۴۰ ضربه شلاق در پی جریان درگیری و شهادت یک درویش است.